

تفسیر نمونه جلد ۱۰ صفحه ۱۰۳

سوره رعد

مقدمه

این سوره در مکه نازل شده و ۴۳ آیه است

تفسیر نمونه جلد ۱۰ صفحه ۱۰۵

محتوای سوره رعد

همانگونه که قبلاً هم گفته‌ایم، سوره‌های مکی چون در آغاز دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و به هنگام درگیری شدید با مشرکان نازل شده است غالباً پیرامون مسائل عقیدتی مخصوصاً دعوت به توحید و مبارزه با شرک و اثبات معاد سخن می‌گوید، در حالی که سوره‌های مدنی که پس از گسترش اسلام و تشکیل حکومت اسلامی نازل گردید، پیرامون احکام و مسائل مربوط به نظامات اجتماعی، طبق نیازمندیهای جامعه بحث می‌کند. سوره مورد بحث (سوره رعد) که از سوره‌های مکی است نیز همین برنامه را تعقیب کرده است و پس از اشاره به حقانیت و عظمت قرآن، به بیان آیات توحید و اسرار آفرینش که نشانه‌های ذات پاک خدا هستند می‌پردازد. گاهی از برافراشتن آسمانهای بیستون، سخن می‌گوید و زمانی از تسخیر خورشید و ماه به فرمان خدا. گاه از گسترش زمین و آفرینش کوهها و نهرها و درختان و میوه‌ها، و زمانی از پرده‌های آرام بخش شب که روز را می‌پوشاند. گاه دست مردم را می‌گیرد و به میان باغهای انگور و نخلستان و لابلاي زراعتها می‌برد، و شگفتی‌های آنها را بر می‌شمرد. سپس به بحث معاد و زندگی نوین انسان و دادگاه عدل پروردگار می‌پردازد. و این مجموعه معرفی مبدء و معاد را، با بیان مسئولیتهای مردم و وظائفشان و اینکه هر گونه تغییر و دگرگونی در سرنوشت آنها، باید از ناحیه

تفسیر نمونه جلد ۱۰ صفحه ۱۰۶

خود آنان شروع شود تکمیل می کند.

دگر بار به مساله توحید باز می گردد، و از تسبیح رعد و وحشت آدمیان از برق و صاعقه، بحث می کند، و زمانی از سجده آسمانیان و زمینیها در برابر عظمت پروردگار.

سپس برای اینکه چشم و گوشها را بگشاید و اندیشهها را بیدار کند، وبی خاصیت بودن بتهای ساخته و پرداخته دست بشر را روشن سازد، آنها را دعوت به اندیشه و تفکر می کند و برای شناخت حق و باطل، مثال میزند، مثالهایی زنده و محسوس، و برای همه قابل درک.

و از آنجا که ثمره نهائی ایمان به توحید و معاد، همان برنامه های سازنده عملی است به دنبال این بحثها، مردم را به وفای به عهد و صله رحم و صبر و استقامت و انفاق در پنهان و آشکار و ترک انتقام جوئی دعوت می کند.

دگر بار به آنها نشان می دهد که زندگی دنیا ناپدار است، و آرامش و اطمینان جز در سایه ایمان به خدا حاصل نمی شود.

و سرانجام دست مردم را می گیرد و به اعماق تاریخ می کشاند و سرگذشت دردناک اقوام یاغی و سرکش گذشته و آنهایی که حق را پوشاندند یا مردم را از حق باز داشتند بطور مشخص نشان می دهد، و با تهدید کردن کفار با تعبیراتی تکان دهنده سوره را پایان می بخشد.

بنابراین سوره رعد، از عقاید و ایمان، شروع می شود و به اعمال و برنامه های انسان سازی پایان می یابد.

---

تفسیر نمونه جلد ۱۰ صفحه ۱۰۷

آیه ۴-۱

آیه و ترجمه

سورة الرعد

بسم الله الرحمن الرحيم

المر تلک ایت الکتب و الذی انزل الیک من ربک الحق و لکن اکثر الناس لا یؤمنون

الله الذی رفع السموت بغير عمد ترونها ثم استوی علی العرش و سخر الشمس و القمر کل یجری لاجل مسمى یدبر الامر یفصل الایة لعلکم یلقاء ربکم توفقون و هو الذی مد الارض و جعل فیها روسی و انهرها و من کل الثمرت جعل فیها زوجین اثنین یغشی الیل النهار ان فی ذلک لایت لقوم یتفکرون

و فی الارض قطع متجورت و جنت من اعنب و زرع و نخیل صنوان و غیر  
صنوان یسقی بماء وحد و نفضل بعضها علی بعض فی الاکل ان فی ذلک لایت  
لقوم یعقلون

ترجمه :

بنام خداوند بخشنده بخشایشگر

- ۱ - المر - اینها آیات کتاب (آسمانی) است، و آنچه از طرف پروردگار بر تو نازل شده حق است ولی اکثر مردم ایمان نمی آورند.
- ۲ - خدا همان کسی است که آسمان را - بدون ستونی که قابل رؤیت باشد - آفرید سپس

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۰ صفحه ۱۰۸

بر عرش استیلا یافت (و زمام تدبیر جهان را بدست گرفت) و خورشید و ماه را مسخر ساخت که هر کدام تا زمان معینی حرکت دارند کارها را اوتدبیر می کند آیات را (برای شما) تشریح می نماید تا به لقای پروردگارتان یقین پیدا کنید

۳ - و او کسی است که زمین را گسترده و در آن کوهها و نهلهائی قرار داد و از تمام میوه ها در آن دو جفت آفرید (پرده سیاه) شب را بر روز می پوشاند، در اینها آیاتی است برای آنها که تفکر می کنند.

۴ - و در روی زمین قطعاتی در کنار هم قرار دارد که با هم متفاوتند و باغهای از انگور، و زراعت، و نخلها، که گاهی بر یک پایه می رویند و گاهی بر دو پایه، همه آنها از یک آب سیراب می شوند و با اینحال بعضی از آنها را از جهت میوه بر دیگری برتری می دهیم، در اینها نشانه های است برای آنها که عقل خویش را بکار می گیرند.

تفسیر :

#### نشانه های خدا در آسمان و زمین و جهان گیاهان

بار دیگر به حروف مقطعه قرآن که در ۲۹ سوره آمده است، در آغاز این سوره برخورد می کنیم، منتها حروف مقطعه های که در اینجا ذکر شده، درواقع ترکیبی است از «الم» که در آغاز چند سوره آمده و «الر» که در آغاز چند سوره دیگر بیان شده، و در واقع این سوره تنها سورهای است که در آغاز آن «الم» دیده می شود، و از آنجا که به نظر می رسد حروف مقطعه آغاز هر سوره پیوند مستقیمی با محتوای آن سوره دارد، محتمل است این ترکیب که در آغاز سوره رعد است اشاره به این باشد که محتوای سوره «رعد» جامع

محتوای هر دو گروه از سوره‌هایی است که با «الم» و «الر» آغاز می‌شود، و اتفاقاً دقت در محتوای این سوره‌ها این موضوع را تایید می‌کند. در باره تفسیر حروف مقطعه قرآن تاکنون در آغاز سوره‌های بقره و آل

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۰ صفحه ۱۰۹

عمران و اعراف، بحثهای مشروحی داشته‌ایم، که نیازی به تکرار آنها نمی‌بینیم. به هر حال نخستین آیه این سوره از عظمت قرآن سخن می‌گوید: «اینها آیات کتاب بزرگ آسمانی است» (تلك آیات الكتاب) «و آنچه از پروردگارت بر تو نازل شده است حق است» (و الذی انزل الیک من ربک الحق). و جای هیچگونه شک و تردید در آن دیده نمی‌شود، چرا که بیان کننده حقایق عینی جهان آفرینش و روابط آن با انسانها می‌باشد. حقی است که با باطل آمیخته نشده و به همین دلیل نشانه‌های حقانیتش از چهره‌اش هویدا است، و نیاز به استدلال بیشتری ندارد. «اما با این همه، مردم بوالهوس و نادان که اکثریت را تشکیل می‌دهند به این آیات ایمان نمی‌آورند» (و لکن اکثر الناس لا یؤمنون). چرا که اگر انسان را به حال خودش وا گذارند و پیروی معلمی پاکدل را که در مسیر زندگی، هدایت و تربیتش کند نپذیرد و همچنان در پیروی از هوسها آزاد باشد، غالباً راه را گم کرده، به بیراهه می‌رود. اما اگر مربیان الهی و هادیان راه حق، امام و پیشوای آنها باشند و او خود را در اختیارشان بگذارد، اکثریت به راه حق می‌روند. سپس به تشریح قسمت مهمی از دلائل توحید و نشانه‌های خدا در جهان آفرینش می‌پردازد، و انسان خاکی را در پهنه آسمانها به گردش وامی‌دارد، و این کرات با عظمت و نظام و حرکت و اسرار آن را به او نشان می‌دهد، تا به قدرت بی‌پایان و حکمت بی‌انتهایش پی برد، و چه زیبای می‌گوید:

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۰ صفحه ۱۱۰

خدا همان کسی است که آسمانها را چنانکه می‌بینید بدون ستون برپا داشت یا آنها را با ستونهای نامرئی بر افراشت (الله الذی رفع السماوات بغير عمد ترونها) برای جمله «(بغير عمد ترونها)» دو تفسیر گفته‌اند: نخست اینکه همانگونه که می‌بینید آسمان، بیستون است (گوئی در اصل چنین بوده، ترونها بغير

(عمد)

دیگر اینکه «ترونها»، صفت برای «عمد» بوده باشد که معنیش چنین است، آسمانها را بدون ستونی که مرئی باشد، برافراشته است، که لازمه آن وجود ستونی برای آسمان است، اما ستونی نامرئی!.

و این همان است که از امام علی بن موسی الرضا (علیهماالسلام) در حدیث حسین بن خالد آمده است، او می گوید از امام ابی الحسن الرضا (علیهماالسلام) پرسیدم، اینکه خداوند فرموده و السماء ذات الحبک (سوگند به آسمان که دارای راههاست) یعنی چه، فرمود: این آسمان راههایی به سوی زمین دارد... حسین بن خالد می گوید عرض کردم چگونه می تواند راه ارتباطی با زمین داشته باشد در حالی که خداوند می فرماید آسمانها بیستون است، امام فرمود: سبحان الله، ایس الله یقول بغیر عمد ترونها؟ قلت بلی، فقال ثم عمد و لکن لا ترونها: عجیب است، آیا خداوند نمی فرماید بدون ستونی که قابل مشاهده باشد؟ من عرض کردم آری، فرمود: پس ستونهایی هست و لیکن شما آنرا نمی بینید.

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۰ صفحه ۱۱۱

این آیه با توجه به حدیثی که در تفسیر آن وارد شده است، پرده از روی یک حقیقت علمی برداشته که در زمان نزول آیات، بر کسی آشکار نبود، چرا که در آن زمان هیئت بطلمیوس با قدرت هر چه تمامتر، بر محافل علمی جهان و بر افکار مردم حکومت می کرد، و طبق آن آسمانها به صورت کراتی تو در تو همانند طبقات پیاز روی هم قرار داشتند و طبعاً هیچکدام معلق و بیستون نبود، بلکه هر کدام بر دیگری تکیه داشت، ولی حدود هزار سال بعد از نزول این آیات، علم و دانش بشر به اینجاریسید که افلاک پوست پیازی، به کلی موهوم است و آنچه واقعیت دارد، این است که کرات آسمان هر کدام در مدار و جایگاه خود، معلق و ثابتند، بی آنکه تکیه گاهی داشته باشند، و تنها چیزی که آنها را در جای خود ثابت میدارد، تعادل قوه جاذبه و دافعه است که یکی ارتباط با جرم این کرات دارد و دیگری مربوط به حرکت آنهاست.

این تعادل جاذبه و دافعه به صورت یک ستون نامرئی، کرات آسمان را در جای خود نگه داشته است.

حدیثی که از امیر مؤمنان علی (علیهماالسلام) در این زمینه نقل شده بسیار جالب است، طبق این حدیث امام فرمود: هذه النجوم التي في السماء مدائن

مثل المدائن الذی فی الارض مربوطة کل مدینة الی عمود من نور.  
: «این ستارگانی که در آسمانند، شهرهائی هستند همچون شهرهای روی زمین که هر شهری با شهر دیگر (هر ستاره‌ای با ستاره دیگر) باستونی از نور مربوط است».  
آیا تعبیری روشنتر و رساتر از ستون نامرئی یا ستونی از نور در افق ادبیات آن روز برای ذکر امواج جاذبه و تعادل آن با نیروی دافعه پیدا

---

تفسیر نمونه جلد ۱۰ صفحه ۱۱۲

می شد؟  
سپس می فرماید: «خداوند بعد از آفرینش این آسمانهای بیستون که نشانه بارز عظمت و قدرت بی انتهای او است، بر عرش استیلا یافت، یعنی حکومت عالم هستی را بدست گرفت» (ثم استوی علی العرش)  
درباره معنی «عرش» و تسلط خداوند بر آن در سوره اعراف ذیل آیه ۵۴ به قدر کافی بحث شده است.  
بعد از بیان آفرینش آسمانها و حکومت پروردگار بر آنها، سخن از تسخیر خورشید و ماه می گوید: «او کسی است که خورشید و ماه را مسخر و فرمانبردار و خدمتگذار ساخت» (و سخر الشمس و القمر).  
چه تسخیری از این بالاتر که همه اینها سر بر فرمان او هستند، و خدمتگذار انسانها و همه موجودات زنده اند. نور میپاشند، جهانی را روشن میسازند، بستر موجودات را گرم نگه میدارند، موجودات زنده را پرورش می دهند، در دریاها جزر و مد می آفرینند و خلاصه سرچشمه همه حرکتها و برکتها هستند.  
اما این نظام جهان ماده جاودانی و ابدی نیست، «و هر کدام از این خورشید و ماه تا سرآمد مشخصی که برای آنها تعیین شده است در مسیر خود به حرکت ادامه می دهند» (کل یجری لاجل مسمی).  
و به دنبال آن می افزاید که این حرکات و گردشها و آمد و شدها و دگرگونیها بی حساب و کتاب نیست و بدون نتیجه و فائده نمی باشد بلکه «اوست که همه کارها را تدبیر می کند»، و برای هر حرکتی حسابی، و برای هر حسابی هدفی در نظر گرفته است (یدبر الامر).

---

تفسیر نمونه جلد ۱۰ صفحه ۱۱۳

«او آیات خویش را برای شما برمی شمرد و ریزه کاریهای آنها را شرح می دهد تا

به لقای پروردگار و سرای دیگر ایمان پیدا کنید» (یفصل الایات لعلکم بلقاء ربکم توقنون).

به دنبال آیه قبل که انسان را به آسمانها میبرد و آیات الهی را در عالم بالانشان می‌دهد دومین آیه از آیات توحیدی این سوره، انسان را به مطالعه زمین و کوهها و نهرها و انواع میوه‌ها و طلوع و غروب خورشید دعوت می‌کند، تا بیندیشد که محل آسایش و آرامش او در آغاز چه بوده و چگونه به این صورت در آمده است.

می‌گوید: «او کسی است که زمین را گسترش داد» (و هو الذی مد الارض).

آنچنان آن را گسترده کرد که برای زندگی انسان و پرورش گیاهان و جانداران آماده باشد، گودالها و سرایشیهای تند و خطرناک را بوسیله فرسایش کوهها و تبدیل سنگها به خاک پر کرد، و آنها را مسطح و قابل زندگی ساخت، در حالی که چین خوردگیهای نخستین آنچنان بودند که اجازه زندگی به انسان نمیدادند.

این احتمال نیز در این جمله وجود دارد که منظور از «مد الارض» اشاره به همان مطلبی باشد که دانشمندان زمین شناسی می‌گویند که تمام زمین در آغاز زیر آب پوشیده بود، سپس آبها در گودالها قرار گرفت و خشکیها تدریجا از آب سر بر آوردند و روز به روز گسترده شدند، تا به صورت کنونی در آمدند. پس از آن به مساله پیدایش کوهها اشاره می‌کند و می‌فرماید: «خداوند در زمین کوهها قرار داد» (و جعل فیها رواسی).

همان کوههایی که در آیات دیگر قرآن «اوتاد» (میخهای) زمین معرفی

#### تفسیر نمونه جلد ۱۰ صفحه ۱۱۴

شده شاید به دلیل اینکه کوهها از زیر به هم پنجه افکنده‌اند و همچون زرهی تمام سطح زمین را پوشانده که هم فشارهای داخلی را از درون خنثی کنند و هم نیروی فوق العاده جاذبه ماه و جزر و مد را از بیرون، و به این ترتیب، زلزله و اضطراب و زلزله‌های مداوم را از میان ببرند و کره زمین را در آرامش برای زندگی انسانها نگه دارند.

ذکر کوهها بعد از ذکر گسترش زمین گویا اشاره به آن است که نه زمین آنچنان گسترده است که هیچ پستی و بلندی در آن نباشد که در این صورت هرگز بارانها و آبها روی آن قرار نمی‌گرفت و یا همه جا تبدیل

به باتلاق می‌گشت و طوفانها دائما بر سطح آن جریان داشت، ولی با آفرینش کوهها از هر دو جهت امن و امان شد.

و نه تمامش کوه و دره است که قابل زندگی نباشد، و در مجموع ترکیبی است از مناطق مسطح و صاف و کوهها و دره‌ها که بهترین ترکیب را برای زندگی بشر و سایر موجودات زنده تشکیل می‌دهد. سپس به آبها و نهرهائی که در روی زمین، جریان دارد اشاره کرده می‌گوید: «و در آن نهرهائی قرار داد» (و انهارا).

سیستم آبیاری زمین بوسیله کوهها، و ارتباط کوهها با نهرها، بسیار جالب است، زیرا بسیاری از کوههای روی زمین، آبهائی را که به صورت برف در آمده در قله خود یا در شکافهای دره‌هایشان ذخیره می‌کنند که تدریجا آب می‌شوند و به حکم قانون جاذبه از مناطق مرتفعتر به سوی مناطق پست و گسترده روان می‌گردند و بی آنکه نیاز به نیروی دیگری باشد در تمام مدت سال به طور طبیعی بسیاری از زمینها را آبیاری و سیراب می‌کنند.

اگر شیب ملایم زمینها نبود، و اگر آبها به این صورت در کوهها ذخیره نمی‌شد، آبیاری اغلب مناطق خشک امکان پذیر نبود، و یا اگر امکان داشت هزینه

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۰ صفحه ۱۱۵

فوق العاده زیادی لازم داشت.

بعد از آن به ذکر مواد غذائی و میوه‌هائی که از زمین و آب و تابش آفتاب به وجود می‌آید و بهترین وسیله برای تغذیه انسان است پرداخته، می‌گوید: «و از تمام میوه‌ها دو جفت در زمین قرار داد» (و من کل الثمرات جعل فیها زوجین اثنین).

اشاره به اینکه میوه‌ها موجودات زنده‌ای هستند که دارای نطفه‌های نر و ماده می‌باشند که از طریق تلقیح، بارور می‌شوند.

اگر «لینه» دانشمند و گیاهشناس معروف سوئدی در اواسط قرن ۱۸ میلادی موفق به کشف این مساله شد که زوجیت در جهان گیاهان تقریبا یک قانون عمومی و همگانی است و گیاهان نیز همچون حیوانات از طریق آمیزش نطفه نر و ماده، بارور می‌شوند و میوه می‌دهند، قرآن مجید در یک هزار و یکصد سال قبل از آن، این حقیقت را فاش ساخت، و این خود یکی از معجزات علمی قرآن مجید است که بیانگر عظمت این کتاب بزرگ آسمانی می‌باشد.

شکی نیست که قبل از «لینه» بسیاری از دانشمندان اجمالا به وجودنر و ماده در بعضی از گیاهان پی برده بودند، حتی مردم عادی میدانستند که مثلا اگر نخل را بر ندهند یعنی از نطفه نر روی قسمت‌های ماده گیاه‌نپاشند ثمر نخواهد داد، اما هیچکس بدرستی نمیدانست که این یک قانون تقریبا همگانی است، تا اینکه لینه موفق به کشف آن شد، ولی همانگونه که گفتیم قرآن قرن‌ها قبل از وی، از روی آن پرده برداشته بود.

و از آنجا که زندگی انسان و همه موجودات زنده و مخصوصا گیاهان و میوه‌ها بدون نظام دقیق شب و روز امکان پذیر نیست در قسمت دیگر این آیه از این موضوع سخن به میان آورده، می‌گوید: خداوند بوسیله شب، روز را میپوشاند و پرده بر آن میافکند (یعنی اللیل النهار).

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۰ صفحه ۱۱۶

چرا که اگر پرده تاریک آرامبخش شب نباشد، نور مداوم آفتاب، همه گیاهان را می‌سوزاند و اثری از میوه‌ها و بطور کلی از موجودات زنده بر صفحه زمین باقی نمی‌ماند.

با اینکه در کره ماه، روز، دائمی نیست، اما همین مقدار که طول روزها به مقدار پانزده شبانه روز کره زمین است، حرارت در وسط روز در کره ماه آنقدر بالا میرود که اگر آب و مایع دیگری در آنجا باشد به نقطه جوشش و بالاتر از آن می‌رسد و هیچ موجود زنده‌ای را که در زمین میشناسیم، تاب تحمل آن گرما را در شرائط عادی ندارد.

و در پایان آیه می‌فرماید: «در این موضوعات که گفته شد، آیات و نشانه‌هایی است برای آنهایی که تفکر می‌کنند» (ان فی ذلک لآیات لقوم یتفکرون). آنها که در این نظام بدیع و شگرف، می‌اندیشند، در نظام نور و ظلمت، در نظام کرات آسمانی و گردش آنها و در نظام نور افشانی خورشید و ماه و خدمتگزاری آنان نسبت به انسانها، و در نظام گسترش زمین و اسرارپیدایش کوهها و نهرها و گیاهان و میوه‌ها، آری آنها در این آیات قدرت لایزال و حکمت بی‌پایان آفریدگار را به روشنی می‌بینند.

در آخرین آیه مورد بحث، به یک سلسله نکات جالب زمین شناسی و گیاه شناسی که هر کدام نشانه نظام حساب شده آفرینش است اشاره کرده، نخست می‌فرماید:

«در زمین قطعات مختلفی وجود دارد که در کنار هم و در

همسایگی یکدیگرند» (و فی الارض قطع متجاورات).  
با اینکه این قطعات همه با یکدیگر متصل و مربوطند، هر کدام ساختمان

---

تفسیر نمونه جلد ۱۰ صفحه ۱۱۷

و استعدادی مخصوص به خود دارند، بعضی محکم، بعضی نرم، بعضی شور، بعضی شیرین و هر کدام استعداد برای پرورش نوع خاصی از گیاهان و درختان میوه و زراعت را دارد، چرا که نیازهای انسان و جانداران زمینی بسیار زیاد و متفاوت است، گوئی هر قطعه از زمین مأموریت بر آوردن یکی از این نیازها را دارد، و اگر همه یکنواخت بودند، و یا استعدادهای به صورت صحیحی در میان قطعات زمین تقسیم نشده بود، انسان گرفتار چه کمبودهایی از نظر مواد غذایی و داروئی و سایر نیازمندیها می شد، اما با تقسیم حساب شده این مأموریت و بخشیدن استعداد پرورش آن به قطعات مختلف زمین همه این نیازمندیها به طور کامل بر طرف می گردد.

دیگر اینکه در همین زمین باغها و درختانی وجود دارد از انواع انگور و زراعتها و نخلها (و جنات من اعناب و زرع و نخیل).

و عجب اینک این درختان و انواع مختلف آنها، گاهی از یک پایه و ساقه میرویند و گاه از پایه های مختلف (صنوان و غیر صنوان).

«صنوان» جمع «صنو» در اصل به معنی شاخه ای است که از تنه اصلی درخت بیرون می آید و بنابراین صنوان به معنی شاخه های مختلفی است که از یک تنه بیرون می آید.

جالب اینکه گاه می شود که هر یک از این شاخه ها، نوع خاصی از میوه را تحویل می دهد، ممکن است این جمله اشاره به مساله استعداد درختان برای پیوند باشد

---

تفسیر نمونه جلد ۱۰ صفحه ۱۱۸

که گاه بر یک پایه چند پیوند مختلف میزنند و هر کدام از این پیوندها رشد کرده و نوع خاصی از میوه را به ما تحویل می دهد، خاک یکی، و ریشه و ساقه یکی، اما میوه و محصولش مختلف و متفاوت است!

و عجیبتر اینکه، «همه آنها از یک آب سیراب می شوند» (یسقی بماء واحد). و با این همه، بعضی از این درختان را بر بعض دیگر از نظر میوه برتری میدهم (و بفضل بعضها علی بعض فی الاکل).

حتی بسیار دیده‌ایم که در یک درخت یا در یک شاخه، میوه‌هایی از یک جنس وجود دارد که طعمها و رنگهای متفاوت دارند، و در جهان گلهابسیار دیده شده است که یک بوته گل و حتی یک شاخه، گلهایی به رنگهای کاملاً مختلف عرضه می‌کند.

این چه آزمایشگاه و لابراتوار اسرار آمیزی در شاخه درختان به کار گذارده شده است که از مواد کاملاً یکسان، ترکیبات کاملاً مختلف تولید می‌کند که هر یک بخشی از نیازمندی انسان را برطرف می‌سازد. آیا هر یک از این اسرار دلیل بر وجود یک مبداء حکیم و عالم که این نظام را رهبری کند نیست.

اینجاست که در پایان آیه می‌فرماید: «در این امور نشانه‌هایی است از عظمت خدا برای آنها که تعقل و اندیشه می‌کنند» (ان فی ذلک لآیات لقوم یعقلون).

#### نکته ها

۱ - در نخستین آیه مورد بحث، در ابتدا اشاره به اسرار آفرینش و توحید شده بود، ولی در پایان آیه می‌خوانیم یفصل الایات لعلکم بلقاء ربکم توقنون:

#### تفسیر نمونه جلد ۱۰ صفحه ۱۱۹

«خداوند آیات خویش را برای شما تشریح می‌کند تا به قیامت و معادایمان بیاورید این سؤال پیش می‌آید که چه رابطه‌ای بین مساله توحید و معاد است که یکی به عنوان نتیجه دیگری ذکر شده است؟!»

پاسخ این سؤال با توجه به این نکته روشن می‌شود که اولاً قدرت خداوند بر ایجاد این جهان، دلیل بر قدرت او بر اعاده آن است، همانگونه که در آیه ۲۹ سوره اعراف می‌خوانیم کما بداکم تعودون: «همانگونه که شما را در آغاز آفرید باز میگرداند و یا در اواخر سوره یس می‌خوانیم: آیا خدائی که آسمانها و زمین را آفرید قدرت ایجاد مثل آن را ندارد».

ثانیاً همانگونه که در بحثهای معاد گفته‌ایم، اگر عالم آخرت نباشد، آفرینش این جهان، بیهوده خواهد بود، چرا که این زندگی به تنهایی نمیتواند هدفی برای آفرینش این جهان پهناور باشد قرآن مجید ضمن آیات مربوط به معاد (سوره واقعه آیه ۶۲) می‌گوید: و لقد علمتم النشأة الاولى فلو لا تذکرون: «شما که این جهان را دیده‌اید چگونه متذکر نمیشوید که حتماً جهانی بعد از آن خواهد بود».

#### ۲ - معجزات علمی قرآن.

در قرآن مجید، آیات فراوانی است که پرده از روی یک سلسله اسرار علمی که در آن زمان از چشم دانشمندان پنهان بوده، برداشته، که این خود نشانه‌ای از اعجاز و عظمت قرآن است و محققانی که در باره اعجاز قرآن بحث کرده‌اند، غالباً به قسمتی از این آیات اشاره نموده‌اند.

یکی از این آیات آیه‌ای است که در بالا ذکر شد که در باره زوجیت گیاهان بحث می‌کند، همانگونه که گفتیم مساله زوجیت در جهان گیاهان به صورت یک

---

### تفسیر نمونه جلد ۱۰ صفحه ۱۲۰

قضیه جزئی برای بشر از قدیم الایام شناخته شده بود، اما به عنوان یک قانون کلی و همگانی، نخستین بار در اروپا در اواسط قرن هیجدهم بوسیله دانشمند ایتالیائی «لینه» پرده از روی آن برداشته شد، اما قرآن برای مسلمانان از هزار سال حتی بیشتر خبر داده بود.

این موضوع در سوره لقمان آیه ۱۰ نیز آمده است: و انزلنا من السماء ماء فانبتنا فیها من کل زوج کریم: «از آسمان آبی فرستادیم و بوسیله آن در زمین از هر زوج گیاه مفید رویاندیم».

در بعضی از آیات دیگر نیز اشاره به این موضوع شده است.

### ۳- تسخیر خورشید و ماه.

در آیات فوق خواندیم که خداوند خورشید و ماه را مسخر کرده است، آیات فراوانی در قرآن مجید داریم که می‌گوید کرات آسمانی و موجودات زمینی و شب و روز و مانند آن، همه مسخر انسانند، در یک مورد می‌خوانیم: «خداوند نهرها را مسخر شما کرد» و سخر لکم الانهار (ابراهیم - ۳۲).

و در مورد دیگر می‌فرماید: «کشتی را مسخر شما ساخت» و سخر لکم الفلک (ابراهیم - ۳۲) و در جای دیگر شب و روز را برای شما تسخیر کرد سخر لکم اللیل و النهار (نحل - ۱۲).

و در جای دیگر «خورشید و ماه را مسخر شما ساخت» و سخر لکم الشمس و القمر (ابراهیم - ۳۳) و در جای دیگر «دریا را به تسخیر شما در آورد تا گوشت تازه از آن استفاده کنید» و هو الذی سخر البحر لتاکلوا منه لحما طریا (نحل - ۱۴).

و در جای دیگر می‌فرماید: «آیا نمی‌بینی خداوند همه آنچه را روی زمین است

مسخر شما ساخت؟ اءلم تر ان الله سخر لكم ما فى الارض (حج - ۶۵).

---

تفسیر نمونه جلد ۱۰ صفحه ۱۲۱

و بالاخره در جای دیگر می خوانیم: «خداوند آنچه را در آسمانها و زمین است، همگی را مسخر شما ساخت» و سخر لكم ما فى السماوات و ما فى الارض جميعا منه (جاثیه - ۱۳).

از مجموع این آیات به خوبی استفاده می شود که اولاً انسان تکامل یافته - ترین موجود این جهان است، و از نظر جهانبینی اسلام آنقدر به اوارزش و مقام داده شده است که همه موجودات دیگر را مسخر این انسان ساخته، انسانی که خلیفه الله است و قلبش جایگاه نور خدا!.

ثانیاً روشن می شود که تسخیر در این آیات به این معنی نیست که انسان این موجودات را همگی تحت فرمان خود در می آورد، بلکه همین اندازه که در مسیر منافع و خدمت او حرکت دارند و فی المثل کرات آسمانی برای او نور افشانی می کنند یا فوائد دیگری دارند در تسخیر او هستند.

هیچ مکتبی اینقدر برای انسان ارزش و الا قائل نشده، و در هیچ فلسفه ای انسان این همه موقعیت و شخصیت ندارد، و این از ویژگیهای مکتب اسلام است، که ارزش وجودی انسان را تا این حد بالا میبرد، که آگاهی از آن اثر عمیق تربیتی دارد، چرا که وقتی انسان فکر کند که خدا اینهمه عظمت به او داده است، و ابر و باد و ماه و خورشید و فلک همه در کارند و همگی سرگشته و فرمانبردار و خدمتکار اویند، چنین انسانی تن به غفلت و پستی نمیدهد و خود را اسیر شهوات و برده ثروت و مقام وزر و زور نمیسازد، زنجیرها را در هم میشکند و به اوج آسمانها پرواز می کند.

چگونه می توان گفت خورشید و ماه مسخر انسان نیستند، در حالی که بانور افشانی خود، صحنه حیات انسان را روشن و گرم و آماده میسازند، که اگر نور خورشید نباشد هیچگونه جنبش و حرکتی در کره زمین وجود نخواهد داشت، و از سوی دیگر بوسیله جاذبه خود، حرکت زمین را در مدارش تنظیم می کند

---

تفسیر نمونه جلد ۱۰ صفحه ۱۲۲

و جزر و مد، در دریاها با همکاری ماه می آفریند، که خود سرچشمه برکات و منافع فراوانی است. کشتیها، دریاها، نهرها، شبها و روزها، هر کدام به نحوی به انسان خدمت می کنند، و در طریق منافع او در حرکتند. دقت در این تسخیرها

و نظام حساب شده آنها، دلیل روشنی است بر عظمت و قدرت و حکمت  
آفریدگار.

بعدها

فرست

قبل